یاد استاد

به بهانه اولین سالگرد درگذشت استاد شهناز

وجه‌تمایز اسطوره‌های هنر و موسیقی ایران

مجید سرسنگی
مدیرعامل
خانه هنرمندان ایران

● از درگذشت استاد بی‌بدیل موسیقی ایران یک‌سال می‌گذرد، ولی برای ما انگار همین دیروز بود. چراکه درگذشت استادان تکرارنشدنی موسیقی و هنر، داغداری مدام را برایمان حکایت می‌کند. در مراسمی که برای این فراق‌ها برگزار می‌شود، از یک‌سو غم ازدست‌دادن این عزیزان جانمان را می‌خلد و از دیگر سو، پرسشی گران خود را نمایان می‌کند؛ اینکه چرا رفتن هر یک از این بزرگان هنر، هم خود جانسوز است و هم اندیشه در آن که جایشان خالی خواهد ماند؟ در اینجا نمی‌خواهم از مقام شور و شهنازی استاد شهناز بگویم، چراکه شهناز در تعریف‌های من به‌عنوان یک شنونده عام موسیقی نمی‌گنجد، و من، آنچه بخواهم از ایشان بگویم استادان موسیقی بسیار گفته‌اند و پس از این هم خواهند گفت. از همین دست ستایش‌های درخور برای دیگر استادان درگذشته مانند استاد لطفی و استاد همایون خرم هم بوده است و خواهد بود. اما همین ستایش‌ها نکته‌ای را نیز به پیش چشمان من می‌آورد. این نکته اشارت به عصری درخشان در هنر و موسیقی کشور است. درخشندگی ارزشمندی که با رفتن هرکدام از این بی‌بدیلان، گویی رو به افول است و اگر نبود وجود ذی‌قیمت تعداد اندکی از فرهیختگان راستین این هنر، که هنوز نفس گرمشان در جان مشتاقان شور می‌افکند، هیچ اغراق نبود. در اینجا می‌خواهم درباره موضوعی صحبت کنم که به نظرم اگر مهم‌ترین نباشد، حداقل از جمله عواملی است که سبب این خسران فرهنگی شده است و کماکان می‌شود. به گمان من در نسل مورد گفت‌وگو، نوع نگاه و دیدگاه متعالی نسبت به هنر و زندگی در پیوند با هم، در تنافر و تفاوت کامل با نگرش‌های سطحی و مسلط امروزی است. نگاه‌های مسلط امروزی به هنر و آفرینش هنری و هنرمند بودن، کم‌توجه یا حتی بی‌توجه به محتوای اخلاقی و زیباشناسانه هنر و با گرایش به سمت تقلید از مدهای غربی عملا بی‌هویتی خود را به رخ می‌کشد و نمایان می‌کند؛ آفتی که هنر راستین را به چالش جدی می‌کشاند. هنرمندانی چون جلیل شهناز، هنر خود را زیسته‌اند، و زیست خود را به قالب هنر در آورده‌اند، و به واسطه تجربه زیستی یگانه و تشخص‌یافته خود، به شکلی از آفرینش هنری و کنش هنرمندانه رسیده‌اند که آنها را یگانه و یکتا می‌کند و در جایگاهی می‌نشاند که کمتر کسی به آن دست پیدا می‌کند. در این سال‌ها، نسبت به خیل کسانی که در عرصه موسیقی جولان داده‌اند، چند اثر فاخر و ماندگار داشته‌ایم؟ چه آثاری پدید آورده‌ایم که در گذر زمان و گذشت تاریخ باز هم به آنها رجوع کنیم و آنها را به عنوان آثار ناب هنری در گنجینه خاطرمان حفظ کنیم؟ با نگاهی گذرا به گنجینه غنی موسیقی نواحی کشورمان، تنها افسوس و حسرت است که در ذهن هویدا می‌شود. ازدست‌رفتن استادان موسیقی مقامی کشور، بدون اینکه جانشینی برای آنها داشته باشیم، به واقع به دست فراموشی سپرده‌شدن بخشی از فرهنگ و هنر کشورمان است که هیچ‌گاه خود را در شاخصه‌هایی چون تجمل و خودنمایی و تزویر ادغام نکرده است و با اصالت و به دور از هر گونه حسادت، خودفریبی و دیگرفریبی رسالت خود را به انجام رسانده است. جالب اینجاست که هر زمان این موسیقی باهویت توانسته مکانی و فضایی برای عرضه خود پیدا کند، از قضا با استقبال مواجه شده است. مثالی از این، جشنواره موسیقی جنوب‌شرقی کشور است که سال گذشته در خانه هنرمندان ایران برگزار شد، و چنان درخشید که کمتر وصفش را می‌توان در کلام آورد. چه در عرصه ملی و چه در عرصه بین‌المللی همواره مخاطبان فرهیخته و پیگیر از این موسیقی اصیل استقبال کرده‌اند. اما برای حفظ این اصالت چه کرده‌ایم؟ چه مکانیسمی برای حفظ و گسترش این هویت موسیقایی طراحی و راهبری کرده‌ایم؟ هنرمندی که جریان‌سازی فرهنگی و هنری می‌کند به یکباره و به واسطه رسانه‌ها و حواشی خارج از هنر به معروفیت و مقبولیت نمی‌رسد. او مانند گلی نیست که همین پنج‌روز و شش باشد، بلکه چون درخت سرو چمانی است که هرچه می‌گذرد به وقار و جلالش افزوده می‌شود و گذشتن زمان تنها بر شکوه آن می‌افزاید و بس. هنرمندانی چون شهناز، لطفی، کسایی و... گلی چندروزه در بوستان فرهنگ و هنر ایران نبوده‌اند، بلکه چونان سروهای خرامانی در این باغ خرامیده‌اند و هر چه می‌گذرد، هرچند خود از میان ما رفته باشند، میراثشان همچنان جان اهل معرفت را می‌نوازد.

«مردی برای تمام فصول» شاید ۹۳ به صحنه برسد

توافق فرمان‌آرا و مرکز هنرهای نمایشی

شرق: به نظر می‌رسد طلسم اجرای نمایش «مردی برای تمام فصول» قرار است در نیمه دوم سال ۹۳ شکسته شود. نمایشی که در چندسال پیش بارها خبر اجرایش از سوی بهمن فرمان‌آرا با بازی رضا کیانیان منتشر شده بود و هربار قبل از رسیدن به مرحله اجرای عمومی لغو شده بود. اما حسین طاهری، مدیرکل هنرهای نمایشی روز چهارشنبه بعد از دیدار با بهمن فرمان‌آرا اظهار امیدواری کرد که با فراهم‌شدن امکانات لازم و پیگیری، این نمایش به صحنه برود. بر اساس اعلام مرکز هنرهای نمایشی بهمن فرمان‌آرا، کارگردان صاحب‌نام به‌همراه رضا کیانیان روز چهارشنبه در دیدار با طاهری در مرکز هنرهای نمایشی درباره این نمایش بحث و گفت‌وگو کردند. بهمن فرمان‌آرا در گفت‌وگو با روزنامه «شرق» ضمن تایید این دیدار گفت: «امروز صبح در دیداری که با آقای طاهری داشتیم قرار شد تا نامه‌ای از سوی گروه برای درخواست اجرا نوشته شود و در اختیار مرکز هنرهای نمایشی قرار گیرد تا مرکز هنرهای نمایشی با آن نامه درخواست خودش را از بنیاد رودکی قضیه را پیگیری کند.»

مردی برای تمام فصول نخستین تئاتری است که قرار است با کارگردانی فرمان‌آرا روی صحنه برود. او در شش‌سال گذشته قصد به‌صحنه‌آوردن این نمایش را داشت. حتی برنامه دورخوانی آن نیز آغاز شد. اما هربار به دلیلی این نمایش از آمدن به صحنه بازماند. آخرین‌بار این نمایش به‌دلیل نگرفتن مجوز از صحنه بازماند. اما این‌بار به نظر می‌رسد مرکز هنرهای نمایشی بسیار علاقه‌مند به اجرای این نمایش است که بعد از دیدار فرمان‌آرا با طاهری خبر آن را منتشر کرده است. پیش از این نیز داوود میرباقری در دیدار با طاهری جهت اجرای تئاتر به توافقات اولیه رسیده بودند. بر اساس این خبر در این دیدار طاهری ضمن تشریح وضعیت تئاتر کشور و تلاش‌های صورت‌گرفته جهت ارتقای وضعیت کیفی تئاتر، عنوان کرد که این مرکز از حضور تمام بزرگان هنر ایران در کنار هنرمندان جوان استقبال می‌کند. فرمان‌آرا نیز با اشاره به علاقه‌مندی خود مبنی بر اجرای یک نمایش طی سال‌های گذشته، عنوان کرد با ترجمه مجدد «مردی برای تمام فصول» این اثر در آینده نزدیک اجرا می‌شود. او گفته برای اجرای نمایش خود تنها به‌دنبال حمایت معنوی اداره کل هنرهای نمایشی است زیرا «مردی برای تمام فصول» پایبندی به اصول و اخلاق را تبلیغ می‌کند که عدم توجه به این امور از معضلات امروز جامعه ماست. رضا کیانیان که قرار است در نقش «سرتامس مور» نقش اصلی این نمایش را بازی کند در این نشست حضور داشت و با اشاره به وضعیت اقتصادی کشور و مشکلات دولت در تامین منابع مالی، شأن هنرمندان تئاتر، لزوم ایجاد شرایط و تسهیل در ورود بخش خصوصی به این حوزه فاخر اما مهجور را از اولویت‌ها برشمرد و بر لزوم آن تاکید کرد.

بزرگداشت «شهسوار» تار ایران در «خانه هنرمندان»

شجریان: «شهناز» در من زندگی می‌کند

دنیا عیوضی: عکس‌های شهناز آویخته به دیوار، قطعه موسیقایی از تارش و آواز شجریان؛ نوای دلنشین شهسوار تار و شوالیه آواز از بلندگوهای خانه هنرمندان پخش می‌شود. درمیان این حال و هوا هر لحظه، حلقه جمعیت بیشتر می‌شود؛ جمعیتی که حاضر شدند مراسم را پشت در بسته تالار و از ال‌سی‌دی راهروها، نظاره‌گر باشند. یک سال از نواختن نت سکوت تار شهناز می‌گذرد و اکنون بار دیگر یاران موافق به یادش گرد هم جمع شدند. بیست و هفتمین روز از خرداد ۹۲ جلیل شهناز درگذشت و اکنون پس از یک سال درست در همان روز به یاد این نوازنده صاحب‌نام موسیقی ایران، مراسم نکوداشتی در تالار جلیل شهناز خانه هنرمندان با حضور محمدرضا شجریان، داوود گنجه‌ای، خانواده شهناز و جمع گسترده‌ای از علاقه‌مندان موسیقی با همکاری خانه موسیقی برگزار شد.

در بخشی از این مراسم محمدرضا شجریان، استاد آواز ایران به دعوت مجری مراسم به روی سن آمد. همانطور که یک‌بار چندسال پیش در مراسم بزرگداشت شهناز، دست او را بوسید و در وصفش گفته بود: «ساز شهناز در من زندگی می‌کند و من با ساز شهناز زندگی می‌کنم. من تنها خواننده‌ای هستم که خودم را شاگرد جلیل شهناز می‌دانم، ساز این نوازنده بی‌بدیل یک ساز آوازی است و مانند آبشاری خروشان در جریان است.» او باز هم در تجلیل از مقام هنری شهناز این سخنان را تکرار کرد و گفت: «من سال‌هاست که با ساز شهناز زندگی می‌کنم. وقتی جلیل شهناز ساز می‌زند گویی داستانی را تعریف می‌کند و تمامی موضوع این داستان در موتیف‌های اثر موسیقایی‌اش تعریف می‌شود. او تصویری را برای ما ایجاد می‌کند که گویی معشوقی در حال حرف زدن است و با وقار از شرایط عشق خود سخن می‌گوید.»

او ادامه داد: «هر وقت صدای ساز جلیل شهناز را می‌شنوم چشم‌هایم را می‌بندم و تمام آن چیزی را که او در این اثر موسیقایی خود خلق کرده می‌بینم. تا امروز کمتر نوازنده‌ای را دیده‌ام که اینگونه تصویری ساز بزند و به نظر من جلیل شهناز خدای این کار بود. موتیف‌هایی که او انتخاب می‌کرد همه از یک جنس بود و کمتر نوازنده‌ای چنین با حوصله در عرصه موسیقی یافت می‌شود که مطلب را تا آخر دنبال می‌کند.» شجریان درباره نوع ساز شهناز توضیح داد: «این ساز شهناز در من زندگی می‌کند و من در آن زندگی می‌کنم. من اجزای ساز او را به خوبی شناختم و دیدم که چه می‌کند. منطقی که او در نوازندگی کارهایش داشت، عجیب و غریب بود و او را به جلیل شهناز بزرگ تبدیل کرد. امیدوارم جوانان هنرمند سرزمین ما این نوع ساز زدن را یاد بگیرند که متاسفانه طی سال‌های اخیر چنین نبوده و من دیدم که تعدادی از جوانان از شاخه‌ای به شاخه دیگر می‌پرند و کارها را عوض می‌کنند؛ فرقی که بین ساز جلیل شهناز با نوازندگان امروز کاملا مشهود است. شما از روی ساز شهناز می‌توانید بفهمید که در آن دوره تاریخی چه اتفاقی افتاده است. به معنای دقیق‌تر، فرم نوازندگی جلیل شهناز طوری بود که شما تاثیرات اجتماعی آن دوران را کاملا احساس می‌کنید.»

عکس: مهدی قاسمی

مجید سرسنگی، مدیرعامل خانه هنرمندان ایران نیز دیگر سخنران مراسم بود. او با بیان اینکه خانواده شهناز بیش از همه ما از فراق این هنرمند صاحب‌نام موسیقی ایرانی ناراحت هستند، گفت: «از خداوند متعال اجر، صبر و زندگی شیرینی را برای آنها آرزو می‌کنم. البته با اینکه یک سال از درگذشت این استاد می‌گذرد، همواره این پرسش وجود دارد که چرا رفتن بزرگان هنر به ویژه افرادی مانند استاد جلیل شهناز برای همه ما جانسوز است.» مدیرعامل خانه هنرمندان در مورد تاثیر هنرمندانی چون شهناز بر موسیقی ایران گفت: «عصر درخشانی که با حضور این نوازندگان جان گرفته بود اکنون رو به افول است که اگر این تعداد هنرمند فرهیخته نبودند معلوم نبود چه اتفاقی بیفتد. هنرمندانی چون شهناز به واسطه تجربه به جایگاهی رسیده‌اند که آنها را یگانه و یکتا می‌کند و دارای شاخصه‌هایی هستند که آنها را مطرح می‌کند.» در پایان این مراسم یک قطعه موسیقی از سوی علی‌اصغر شاه‌زیدی، شهرام میرجلالی و محمود رفیعیان اجرا شد. خانه موسیقی ایران نیز به مناسبت سالروز تولد شهناز در اول خرداد، تولد داود گنجه‌ای و زیدالله طلوعی که هنرمندان متولد خرداد موسیقی ایران هستند، هدایایی به رسم یادبود اهدا کرد.

موزه شهید بهشتی میزبان مراسم هفت تیر

رونمایی از تفسیر قرآنی متفاوت

فرزانه ابراهیم‌زاده: خانه موزه شهید بهشتی در یک کوچه بن‌بست به نام خود ایشان در میانه خیابان‌های شریعتی و دستجردی (ظفر) قرار دارد؛ درست در آدرس خیابان شریعتی، خیابان دستجردی (ظفر)، کوچه صبر، خیابان شهید مطهری، کوچه شهید بهشتی، پلاک ۱۲. موزه‌ای متفاوت که در ورودی خود با صحنه‌ای از شورای انقلاب روبه‌رو می‌شوید. شهید بهشتی در کنار مقام معظم رهبری و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی که در حال صحبت با تلفن است، نشسته‌اند. روبه‌روی ایشان آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله موسوی اردبیلی در حال گوش دادن به صحبت‌های مهندس مهدی بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت هستند. در نقطه روبه‌روی آنها مهندس سحابی و شهید مطهری نشسته‌اند. این موزه خانه قدیمی شهید بهشتی بوده است که البته ایده اصلی آن را آنطور که سید علیرضا بهشتی، پسر بزرگ و رییس بنیاد حفظ آثار شهید بهشتی می‌گوید در سال ۷۸ به شورای شهر داده‌اند و در نهایت سال ۹۱ این خانه خریداری و در سال ۹۲ توسط شهرداری بازگشایی شده است البته به گفته محمدرضا سعیدی، مدیر خانه موزه شهید بهشتی این خانه تا سال ۶۹ در اختیار خانواده بوده، بعد از آن فروخته شده، شهرداری آن را از مالک دوم خریداری و به موزه‌ای تبدیل کرده که برای بازدید عموم آزاد است. آنطور که علیرضا بهشتی می‌گوید در بخش پژوهشی نیز به کسانی که علاقه‌مند باشند کمک می‌کند. بهشتی که به همراه سعیدی روز چهارشنبه ۲۸ خرداد در نشست خبری این موزه شرکت کرده بود مهم‌ترین برنامه موسسه حفظ آثار شهید بهشتی را تنظیم آثار او اعلام کرد: «تاکنون ۲۳ جلد از آثارشان منتشر شده است و حدود ۱۱ جلد دیگر نیز در دست آماده‌سازی خواهد بود.» مهم‌ترین وجه برگزاری این نشست خبری اعلام برنامه‌های بزرگداشت سالگرد هفتم تیرماه بود که جزو برنامه‌های کوتاه موزه هم به شمار می‌رفت. یکی از برنامه‌هایی که به گفته سعیدی به همراه خانواده شهید بهشتی انجام شد انتشار فراخوانی بود که حدود ۱۱نفر از محافظان شهید بهشتی در موزه گرد آمدند و از خاطرات خود با او گفتند. اما رونمایی از تفسیر قرآن نوشته‌شده توسط شهید بهشتی مهم‌ترین برنامه‌ای است که صبح روز هفتم تیر در این موزه برگزار می‌شود. به گفته علیرضا بهشتی تفسیر قرآنی که شهید بهشتی نوشته است، امسال منتشر شده و در نمایشگاه کتاب هم ارایه شده است: «در همین مدت کوتاه هم با استقبال خوبی از سوی خوانندگان روبه‌رو شده است.» رییس موسسه حفظ و آثار شهید بهشتی مهم‌ترین ویژگی این تفسیر قرآن را رویکرد تفسیری اجتماعی بهشتی دانست: «ایشان در این تفسیر، قرآن را به‌عنوان راهنمای زندگی بشری و مجموعه‌ای که می‌شود با آن زندگی کرد، توضیح می‌دهد.» این تفسیر قرآن در دو بخش شکل گرفته است. یکی در فاصله زمانی میان سال‌های ۱۳۴۴ تا ۴۹ که بهشتی مدیریت مرکز اسلامی هامبورگ را برعهده داشت. بخش دوم نیز مربوط به جلسات شب‌های یکشنبه است که در منزل افراد مختلف در فاصله سال‌های ۴۹ تا ۵۵ برگزار می‌شد.

«باران آزاد» در گفت‌وگو با «شرق»:

هویت، مفهومی انتزاعی است

شرق: این روزها نمایشگاه نقاشی و ویدئوآرتی با عنوان «لذت عکاسی با وی‌پی‌ان» در گالری مریم فصیحی‌هرندی برپاست. نمایشگاه نقاشی‌های متفاوت یک هنرمند جوان که در آن ۲۲۶ نقاشی در قطع عکس‌های آنالوگ و چهار اثر در قطع بزرگ را در فضای گالری به نمایش گذاشته است. باران آزاد در این نمایشگاه به سراغ عکس‌هایی رفته که پیش از این توسط دیگران در اقصی نقاط جهان ثبت شده و او با تفکری پست‌مدرنیستی و خوانشی اکسپرسیونیستی روی بوم‌های کوچک از این عکس‌ها نقاشی‌هایی خلق کرده است.

تاکیدتان در آثار این نمایشگاه بر دو شیوه کارهای اکسپرسیونیستی و امپرسیونیستی بیشتر بر چه چیزی متکی است؟

اگر قرار باشد اکسپرسیونیسم را بعد از حدود صدسال در این موقعیت زمانی و مکانی تجربه کنم، پیشنهاد من این آثار است (که البته در این نمایشگاه چهار نقاشی امپرسیونیستی به‌زعم من پست‌مدرن، از مجموعه «زندگی بیشتر» وجود دارد). امپرسیونیسم و اکسپرسیونیسمی با ارایه‌ای پست‌مدرن، زیرا در این جهان رسانه‌زده، با خود هیچ‌چیز روبه‌رو نمی‌شوم تا آن را به تصویر بکشم و احساسم نیز کاملا متعلق به خودم نیست. در حقیقت احساس و واکنش من نتیجه اراده‌ام نیست بلکه تحت‌تاثیر تبلیغات (به‌طور کلی) و رسانه است. پس این هیجان جعلی از موقعیتی جعلی (رسانه‌ای) پیش می‌آید.

بحث هویت یکی از مهم‌ترین محورهای خلق آثار معاصر است که به نظر می‌رسد شما نیز به آن توجه دارید.

در واقع با پرداختن به سیطره رسانه بر احوال انسان امروز می‌شود این برداشت را از کارهای شما داشت؟

هویت هم مثل کلماتی چون فطرت، ماهیت و... یک مفهوم انتزاعی است که به نظرم فارغ از سودمندی‌های سیاسی و... یک جور بدفهمی نسبت به انسان است. هویت توسط انسان کسب می‌شود و انسان حاوی هویت نیست. از مباحث پارادایم‌های کوهن و پرسپکتیویسم نیچه می‌توان کمک گرفت و اینگونه گفت که انسان به مرور در جهان پیش می‌رود واجد هویت می‌شود و رسانه بیشترین تاثیر را در شکل‌گیری یا انتخاب یا دچارشدن به هویتی خاص داراست. هرچند معتقدم مساله هویت را نمی‌توان و نباید به شکلی اخلاقی مورد ارزیابی یا نقد قرار داد. هویت یعنی تجربه جهان. بنابراین در کارهای من آدرس سایت‌ها تبدیل به امضایم می‌شود چون در وضعیت پست‌مدرن، اساسا هویت مستقلی وجود ندارد. همچنین تاریخ‌ها به جعلی‌بودن و طنز می‌رسد مثل ۱۹۹۴، ۲۰۰۳، ۲۰۰۶ زمان‌ها و مکان‌هایی که من تجربه‌اش نکرده‌ام خصوصا ۱۷۶۰ بازار لیون.

چرا در کارهای کوچک شما انسان‌ها در تصاویر غایب هستند و در نقاشی‌های با ابعاد بزرگ این انسان است که سوژه‌نقاشی‌هاست؟

اتفاقا موضوع نقاشی‌های من انسان است اما انسان نه به معنای زیست‌شناسانه‌اش. تمام مناظری که در تابلوها وجود دارد توسط انسان، خاص و متمایز شده است و اینک من نوعی در جایی به «شناخت» می‌رسم که حضور ندارم یا به بیانی دیگر انسان معاصر در جایی که نیست، حضور دارد.

چهره روز

نقاشی زیر نقاشی کشف شد

راز پنهان «اتاق آبی» پیکاسو

بهزاد وفاخواه

● تابلو اتاق آبی پیکاسو یک نقاشی مخفی را زیر خود پنهان کرده است. دانشمندان و متخصصان هنر با استفاده از تصاویر مادون قرمز در زیر یکی از نخستین شاهکارهای پابلو پیکاسو یک نقاشی مخفی یافته‌اند. مردی مرموز و درخودفرورفته. حالا سوال این است: او چه کسی است؟

تابلو اتاق آبی از کارهای اولیه پیکاسو است و در سال ۱۹۰۱ زمانی که او در پاریس کار می‌کرد و رنگ‌های آبی مشخص و سوژه‌های غمگین مولفه اصلی کارهایش بود، کشیده شده است.

بعد از گذشت پنج‌سال متخصصانی از مجموعه فیلیپس، موزه ملی هنر و دانشگاه کرنل موفق شدند تصویر واضح‌تری از نقاشی مرموز زیر سطح این تابلو را به دست بیاورند. اولین‌بار در سال ۲۰۰۸ بود که تصاویر مادون قرمز نشان دادند مردی که دستش را زیر چانه‌اش قرار داده و سه انگشتر در این دست دارد زیر این تابلو پنهان است. تحقیقات بیشتر متخصصان هنر، اینکه تابلو کار خود پیکاسو باشد را تایید کرد و این فرضیه مطرح شد که پیکاسو پیش از کشیدن تابلو اتاق آبی روی این نقاشی کار می‌کرده است. حالا یکی از احتمالاتی که برای کارشناسان مطرح شده این است که این تابلو سلف پرتره‌ای از خود پیکاسو باشد.

«سوزان برند فرانک» از متخصصان موزه ملی هنر می‌گوید: «پیکاسو در آن زمان نمی‌توانست هزینه لازم برای تهیه بوم‌های جدید نقاشی را بپردازد اما هر زمان که ایده‌ای جدید به ذهنش می‌رسید باید بلافاصله آن را پیاده می‌کرد. او حتی گاهی اوقات روی مقوا کار می‌کرد چون بوم نقاشی برایش بیش از حد گران درمی‌آمد.»

پیکاسو هنگامی که تابلو اتاق آبی را می‌کشید تنها ۲۰سال داشت و تازه از اسپانیا به پاریس آمده بود که پایتخت هنر جهان محسوب می‌شد.

زیر آسمان فیروزه ای

تسلیت فرهادی به بابک تختی

● **شرق:** در پی درگذشت شهلا توکلی همسر جهان پهلوان تختی، اصغر فرهادی در پیام تسلیتی این ضایعه را به تنها یادگار تختی و ایشان یعنی بابک تسلیت گفت. در این پیام آمده است: «بابک تختی عزیز، انتظار شنیدن خبر اندوهناک رفتن بانو شهلای دوست‌داشتنی را نداشتم با آنکه می‌دانستم چندماهی است، درد و بیماری با او پنجه در انداخته اما سرزندگی و عشقش به فرزندتان غلام‌رضا، به شما و همسرتان، به هنر، به ایران، به مردم و بردباری احترام‌برانگیزش در برابر نامهربانی‌ها و ناروایی‌ها مرا امیدوار می‌کرد که حریف پلید را بر زمین خواهد افکند، افسوس تن نازنینش تاب نیاورد، یاد وقار و آرامش بزرگوارانه‌اش همیشه با من خواهد بود. با مهر. اصغر فرهادی.» شهلا توکلی، همسر جهان پهلوان تختی روز سه‌شنبه ۲۷ خرداد بعد از یک دوره بیماری درگذشت.

مکتبخانه محمدرضا لطفی بازگشایی می‌شود

● **شرق:** مکتبخانه زنده‌یاد محمدرضا لطفی از یکشنبه، یکم تیرماه امسال بازگشایی می‌شود و به فعالیت خود ادامه می‌دهد. مکتبخانه میرزا عبدالله و موسسه فرهنگی - هنری آوای شیدا که پس از درگذشت استاد محمدرضا لطفی بسته بود از اول تیرماه بازگشایی می‌شود و به فعالیت عادی خود ادامه می‌دهد. همچنین تمامی کلاس‌های مکتبخانه از روز یکشنبه دایر خواهد شد و هنرجویان می‌توانند به کلاس‌های خود مراجعه کنند. گفتنی است، محمدرضا لطفی موسیقیدان ایرانی بامداد روز جمعه ۱۲ اردیبهشت دار فانی را وداع گفت.